

واکاوی مفهوم اطاعت در عهد عتیق^۱

عبدالحسین لطفی^۲

استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری، ایران

چکیده

در میان ادیان خاورمیانه، یهودیت شریعتی شدیدتر و کم‌انعطاف‌تر دارد که در مفهوم «اطاعت» خلاصه می‌شود. اطاعت در یهودیت دو بعد قومی و فردی دارد؛ یعنی رابطه‌ای میان یهوه و قوم برقرار است که براساس آن، اطاعتی از قوم خواسته می‌شود که همه‌جانبه و کامل تلقی می‌شود؛ البته این اطاعت، علاوه بر این که اصالتاً و ذاتاً از یهوه و در چارچوب ده فرمان تجلی می‌یابد، به امر خدا به پیروی از مطاعان قوم، چون حکما، انبیا و والدین و... تسری می‌یابد. هدف این نوشتار آن است که اولاً، با تأکید بر شدت شریعت یهود، به تبیین اهمیت اطاعت و زوایای آن پردازد؛ ثانیاً، از رهگذر واکاوی عهد عتیق، به‌عنوان سند اساسی یهودیت، تلقی منصفانه‌ای از مفهوم مهابت یهوه و اطاعت‌خواهی حداکثری او از قوم به دست دهد؛ می‌توان گفت براساس آموزه‌های عهد عتیق، اطاعت‌خواهی یهوه از قوم یهود که عمدتاً پادشاهی‌هایی این جهانی در پی دارد، چنان شدید و انعطاف‌ناپذیر است که سرپیچی از آن عواقبی سخت و گاه درازدامن در طی تاریخ به دنبال می‌آورد که مهم‌ترین آن‌ها عدم استقلال قومی و محرومیت از نیل به سرزمین موعود و نیز مخدوش شدن یا حتی بطلان برگزیدگی ایشان است.

کلیدواژه‌ها

اطاعت، ده فرمان، عهد عتیق، قوم یهود، یهوه.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۵

۲. پست الکترونیک: hoseinlatifi89@gmail.com

مقدمه

ادیان بزرگ خاورمیانه که در حقیقت مهم‌ترین ادیان جهان به‌شمار می‌روند، وحی‌محور هستند. مفهوم وحی در این ادیان، خود بر دو رکن مبتنی است که عبارت‌اند از: خطاب از جانب خدا و وثوق و اطاعت از سوی انسان. بر این اساس، خطاب الهی اطاعت کامل و تحقق‌بخش است. از میان این ادیان، یهودیت با شدت بیشتر و انعطاف کمتری بر اطاعت تأکید می‌کند و این امر تاحدی است که می‌توان گفت عهد عتیق گزارش اطاعت و عدم اطاعت قوم یهود از خداوند یَهُوَه است و سعادت و شقاوت آنان نتیجه مستقیم این اطاعت یا سرپیچی است؛ گو این‌که این تشدد خداوند در اطاعت‌خواهی تا آن‌جاست که تأکید می‌کند نتیجه آن یا امتناع از آن در همین جهان نصیب یا دامن‌گیر قوم می‌شود. با نظر داشت به آن چه گفته آمد، این نوشتار متکفل بررسی مفهوم اطاعت در عهد عتیق است و برای تبیین این مفهوم و زوایای آن به برخی از آیات مرتبط می‌پردازد؛ از این رو، این پژوهش متعهد پاسخ به این پرسش‌هاست: ۱. اطاعت در عهد عتیق چه معنا و مفهومی دارد؟ ۲. براساس آموزه‌های عهد عتیق اطاعت و عدم اطاعت چه نتایج و تبعاتی در پی دارد؟ این پژوهش با روش متن‌محور و تحلیلی و براساس شیوه کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است.

مفهوم اطاعت

مفهوم «اطاعت» در یهودیت را می‌توان برابر نهاد «تقوا» دانست. در این مفهوم، اطاعت بر دو بنیاد، استوار می‌شود که همانا این دو، عشق و محبت به خدا و ترس و خشیت از اوست؛ البته اطاعت در مفهوم اولیّه آن، تضمین‌کننده کام‌یابی و بخت‌یاری این جهانی برای قوم یهود است.^۱

از آن‌جاکه شریعت یهود، شریعت سمحه و سهله نیست و مبنای آن شدت است و این شدت را می‌توان در مفهوم اطاعت خلاصه کرد، برای تبیین بهتر این اطاعت شدید، با

۱. Zahavy, Tvzee, *Jewish Piety, The Blackwell Companion to Judaism*, Edited by Jacob Neusner and Alan J. Avery-Peck, Blackwell Publishing Ltd, USA, 2003, p.189.

نگاهی سلبی به سه اصطلاح درباره نقض مفهوم اطاعت که مکرراً در عهد عتیق آمده است، به اجمال اشاره می‌شود.

حط (Het)

واژه «حط» در عهد عتیق آمده و به انحراف از چیزی اشاره دارد که خوب و درست است. ریشه حط نوعی قصور در روابط متقابل و دوسویه را نشان می‌دهد و مطابق با معنای جرم و خلاف است؛ در واقع نسبت به لغت «معصیت»، نوعی معنای اعتقادی را شامل می‌شود. واژه «حط» به عنوان قصور، جرم و خلاف تعریف می‌شود؛ البته وقتی آن چه واقع شده، مغایر با اصولی باشد که روابط بین خدا و بشر را تنظیم می‌کند؛ بنابراین، نقض احکام و گناه در برابر خدا محسوب می‌شود.^۱ حط به این معنا در جاهای دیگر عهد عتیق نیز یافت می‌شود.^۲ مفهوم حط نه تنها ناظر بر مسائل حقوقی، اخلاقی و اجتماعی است، بلکه تکالیف شرعی و حتی نقض غیرارادی و ارادی اجرای شعائر^۳ را نیز دربرمی‌گیرد.^۴

پش (Pash)

واژه «پش» به معنای «شکستن» است و منظور از آن نقض ارتباط میان انسان و خداست.^۵ این واژه بارها در عهد عتیق تکرار شده و در واقع از اصطلاحات الاهیاتی است که به عنوان مخالفت با خدا به شمار می‌رود و در آیات زیادی از آن استفاده شده است.^۶ هم‌چنین در حوزه احکام جزایی، پش جرمی است که جامعه را مختل می‌کند و یا ارتباط صلح‌آمیز بین دو طرف را می‌شکند. این چنین معنایی نیز که درباره پش استفاده می‌شود، بیانگر معصیت در برابر خدا تلقی می‌شود.^۷

۱. یوشع، ۷: ۱۱ و ۲۰؛ اوئل سموئیل، ۱۵: ۳-۱۹.

۲. پیدایش ۲۰: ۶ و ۳۹: ۹؛ دوم سموئیل، ۱۲: ۱.

۳. لاویان، ۴: ۵.

4. Lipinski, Edward, *Encyclopaedia Judaica*, Skonlnik Fred (editor in chief), Michael Berenbaum, second edition, Macmillan Reference USA, 2007, p.621.

5. Sherbok, Dan Cohn, *Judaism: History, Belief and Practice*, London, Routledge, 1992, p.420.

6. Lipinski, p.622.

7. Ibid, p.622.

عواه (awah)

واژه «عواه» که بارها در عهد عتیق ذکر شده است، در اصل به معنای انحراف و خطاست؛ چراکه اساساً تقلب و دغل‌کاری را بیان می‌کند. این واژه به صورت فعل مجهول به معنای فاسد، منحرف و شریر است، همان‌طور که در سفر پیدایش آمده است: «و نخست‌زاده یهودا، عیر، در نظر خداوند شریر بود و خداوند او را بمیراند».^۱

خدای عهد عتیق، خدایی است خشن و سخت‌گیر؛ خدایی که زود برمی‌آشوبد، چندان‌که با کمترین لغزش بندگانش، چنان خشمگین می‌شود که سخت‌ترین کیفرها را بر آنان وارد می‌سازد؛ خدایی که خطا را فراموش نمی‌کند و انسان گردنکش را در زیر قدرت نامتناهی خود خورد می‌کند و خطای هیچ‌کس را بدون پاسخ نمی‌گذارد. خدایی که انتقام گناه پدران را تا پشت سوم و چهارم باز می‌ستاند.^۲

تکرار و تأکید بر این مفاهیم که ناظر بر نقض اطاعت از یهوه هستند، نشان‌دهنده فخامت و گران‌باری مفهوم اطاعت هر فرد و نیز قوم و هم‌چنین بیانگر وخامت و ناگواری عواقب عدم اطاعت است.

با توجه به اطاعت در یهودیت می‌توان گفت: تاریخ آبا و اجداد اولیه قوم بنی‌اسرائیل بر این مبنا قرار دارد که از ابتدا ابراهیم به خاطر ایمان برجسته و اطاعت از یهوه بسیار مشهور و معظم است؛ پس قوم با اطاعت می‌تواند به اهداف مورد نظر برسد. خداوند پیمانی با قوم اسرائیل بسته و گفته است: «به ایشان گفته بودم که اگر از من اطاعت کنند و هرچه بگویم انجام دهند، ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان»^۳، اما این امر، قانون عام خداوند است. هرکه از او اطاعت کند لطف و برکت او شاملش می‌شود؛ بنابراین، اطاعت به قدری اهمیت دارد که خداوند آن را به عنوان عهد خود با بنی‌اسرائیل بیان می‌کند و در همه زمان‌ها به آن توجه داشته و آن را به قوم یهود یادآوری می‌کند.^۴

۱. پیدایش، ۳۸: ۷.

2. Eron, Lewis John, "Homosexuality and Judaism", *Homosexuality and World Religions*, Arlene Swidler (ed.), Trinity Press International, U.S.A., 1993, p.87.

۳. ارمیا، ۴: ۱۱.

4. Fishbane, Michael, "the Image of the Human and the Rights of the Individual in Jewish Tradition", *Human Rights and the World's Religions*, edited by Loroy S. Rouner, Universtiy of Notre Dame Press, 1988, p.102.

اطاعت در مفهوم التزام عملی و آگاهانه به عهد الهی

عبادت از منظر کتب عهد عتیق، اطاعت کامل و محض خداوند است؛ چنان‌که در اوّل تواریخ آمده است: «ای پسر من سلیمان، بکوش تا خدای اجداد خود را بشناسی و با تمام دل و جان او را بپرستی، اطاعت و خدمت کنی. خداوند تمام دل‌ها را می‌بیند و هر فکری را می‌داند. اگر در جست‌وجوی خدا باشی، او را خواهی یافت، ولی اگر از او برگردی، تو را تا ابد طرد خواهد کرد».^۱

اطاعت در عهد عتیق درحقیقت، به معنای اطاعتی است که از روی میل و رغبت است و عبادت مختص خداوند بوده و برای غیر خدا سزاوار نیست و تنها اوست که شایسته عبادت است. در یهودیت حتی جنگ هم در راستای عهد خداوند، عبادت و اطاعت است. در مزامیر آمده است: «خداوند، جان پناه من است، او صخره‌ی من است و مرا نجات می‌بخشد. خدایم صخره‌ی محکمی است که به آن پناه می‌برم. او هم‌چون سپر از من محافظت می‌کند. به من پناه می‌دهد و با قدرتش مرا می‌رهاند. او را به کمک خواهم طلبید و از جنگ دشمنان رهایی خواهم یافت. ای خداوند بزرگ تو شایسته‌ی پرستش هستی!».^۲

در عهد عتیق، خداوند امدادهای خود را مشروط به رعایت و اطاعت از احکام و قوانین شریعت دانسته است و تقوا بیشتر جنبه‌ی عملی دارد. انجام اعمال صالح، شرط ورود به آرض موعود است: «و فرایض و اوامر او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم، نگاهدار تا تو را و بعد از تو فرزندان تو را نیکو باشد و تا روزهای خود را بر زمینی که یهوه خدایت به تو می‌دهد تا به ابد طویل نمایی».^۳ بیشترین فقرات عهد عتیق مربوط به اهمیت حفظ و انجام تکالیف الهی است. در واقع، عبادت و اطاعت خداوند زمینه‌ساز برخورداری از انواع نعمت‌های خداوند محسوب می‌شود. هم‌چنین به دست آوردن رزق و روزی، دوری از انواع مرض‌ها و بیماری‌ها، در امان بودن از خطر دشمنان و... به‌عنوان جلوه‌هایی از امدادهای یهوه، همگی مرهون اطاعت خداوند است.^۴

۱. اوّل تواریخ، ۲۸: ۹.

۲. مزامیر، ۱۸: ۲-۳.

۳. تنبیه، ۴: ۴۰.

4. Brahmachari R. "Jewish Ethics", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, New Delhi, Anmol Publications P.V.LTD., 2008, p.472 .

در سفر خروج، یهوه نه تنها بنی اسرائیل را به پذیرش قدرت خود وادار می‌کند، بلکه برای برانگیختن هرچه بیشتر اطاعت ایشان از وی، مصریان را نیز مقهور اراده و سلطه خود می‌سازد؛^۱ لذا باید گفت در عهد عتیق، اساس امر اطاعت قوم از خدا، همانا تجلی قدرت یهوی در مظاهر گونه‌گون قدرت است. آنچه بر اهمیت موضوع پیمان و رابطه میان خدا و قوم و در نتیجه آن، اطاعت قوم از خدای یهوه می‌افزاید، این است که این امر علاوه بر سفر خروج که محل اصلی گزارش آن است، بیش از هر واقعه تاریخی یا موضوع الهیاتی دیگری و در حدود ۱۲۰ بار در جاهای دیگر عهد نیز آمده است.^۲ می‌توان گفت محور اساسی عهد عتیق، رابطه خدا و قوم بنی اسرائیل است که براساس آن، یهوه متعهد شده است که خود را خدای ایشان بداند و از آنان حمایت کند؛ و قوم نیز متعهد شده‌اند که خود را در یک چارچوب الهیاتی وقف یهوه کنند.^۳

در چارچوب چنین رابطه‌ای، خداوند در کوه سینا (حوریب) با قوم بنی اسرائیل عهد می‌بندد و در این عهد به آن‌ها وعده می‌دهد که از میان تمام قوم‌ها، در صورت اطاعت از او، خزانه خاص او خواهند بود: «و اکنون اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید، و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قوم‌ها خواهید بود؛ زیرا که تمامی جهان از آن من است.»^۴

اما این پیمان دارای یک اصل اساسی بود و آن این‌که بنی اسرائیل برای دست‌یافتن به ثمرات این پیمان، باید اوامر خداوند را که در ده فرمان توسط موسی بر آن‌ها فرستاده شده بود، اطاعت می‌کردند. این اطاعت تکلیفی همه‌جانبه است که همه شئون زندگی را دربرمی‌گیرد؛ لذا چنان‌که از ده فرمان برمی‌آید، این احکام هم شامل امور اعتقادی می‌شوند، هم بُعدی اخلاقی دارند و هم احکام شرعی و فقهی را دربرمی‌گیرند؛ بنابراین، ده فرمان که

۱. خروج، ۱۰: ۱-۲.

2. Avery-Peck Alan J., *The Doctrine of God, The Blackwell Companion to Judaism*, Jacob Neusner and Alan J. Avery-Peck(ed), Blackwell Publishing Ltd, USA, 2003, pp.214-5.

3. Ibid, p.213.

۴. خروج، ۱۹: ۵.

شالوده‌ی دین یهودیت و به تعبیر دیگر، قانون اساسی این دین است، آینه‌ی تمام‌نمای اطاعت کامل و عملی قوم از یهوه است.^۱

اینک به‌منظور تبیین این اطاعت همه‌جانبه و با لحاظ اهمیت ده فرمان و از آن‌جا که این فرمان‌ها درحقیقت سند اطاعت قوم یهود از یهوه و شالوده‌ی عهد یهوه با قوم بنی‌اسرائیل تلقی می‌شوند، آن‌ها را در نگاهی گذرا مطالعه و تحلیل می‌کنیم:

در نخستین فرمان، یهوه خود را با نام «خداوند» معرفی می‌کند و مهم‌ترین خصوصیت این خداوند، نقشی است که در تاریخ یهودیت دارد؛ زیرا او خود را به‌عنوان پروردگاری که قوم را از سرزمین مصر و سرزمین بردگی خارج کرد، معرفی می‌کند؛ بنابراین، آغاز این فرمان‌های ده‌گانه از ویژگی مهمی برخوردار است که احساس رابطه‌ی خاص با خدا را که به سود بنی‌اسرائیل در تاریخ وجود دارد، تبیین کرده است و احساس نفرت از بیگانگان را برمی‌انگیزد.^۲

دومین فرمان ده‌گانه، دعوت به پرستش خدا و نهی عبادت غیرخداست. در آیات زیادی از عهد عتیق به عبادت و اطاعت خدا و نهی از عبادت و اطاعت دیگران دستور داده شده است. این فرمان در حقیقت فرمان توحید است که البته به‌لحاظ الهیاتی بیانگر گونه‌ی خاصی از توحید است. برای تبیین بهتر توحید یهودی، این گونه از توحید، با توحید اسلامی به‌اجمال مقایسه می‌شود: به لحاظ الهیاتی، به توحید اسلامی «توحید محض» اطلاق می‌شود؛ چراکه بر نفی وجود هرگونه خدایی جز «الله» تأکید می‌کند، اما توحید یهودی، توحید محض نیست و می‌توان آن را «توحید گزینشی» نامید؛ زیرا مطابق با فرمان دوم، وجود خدایان دیگر نفی نمی‌شود، بلکه اطاعت قوم از خدایان دیگر نهی می‌شود. درحقیقت، همان‌گونه که یهوه از میان اقوام مختلف این قوم را برمی‌گزیند، قوم نیز مکلف می‌شود که خدایان دیگر را که در مصر می‌شناختند و خدایان اقوام دیگر را که پس از خروج از مصر شناختند، کنار بگذارند و به‌طور کامل و تنها از یهوه اطاعت کنند. با توجه به سومین فرمان ده‌گانه که می‌گوید: نام خدای خالقت را بیهوده بر زبان نیاور (از آن سوءاستفاده نکن)، اگر انسان به دلایلی باید به چیزی سوگند یاد کند، در صورتی به

1. Sherbok, p.201.

2. Atlan Henri, "Chosen People", *Contemporary Jewish Religious Thought*, New York, The Free Press, 1987, p.122.

آن سوگند می‌خورد که به انجام دادن برخی امور متعهد شود؛ بنابراین، انسان به نام هر معبودی سوگند نمی‌خورد، بلکه به نام خدای خود سوگند می‌خورد و در مقابل، به رعایت و انجام بعضی کارها متعهد می‌شود؛ پس اگر انسان مالک همه خوبی‌ها باشد که از انجام گناه ترس داشته باشد و همواره مشغول عبادت و خدمت به خالقش باشد، می‌تواند به نام خالقش سوگند بخورد. در این صورت، انسان دقت خواهد داشت که با سبک‌سری هر کاری را انجام ندهد و از این رهگذر، انسان خدا را حقیقتاً و عملاً اطاعت کرده است.^۱

چهارمین اصل ده فرمان این است که روز «سبت» را به یاد داشته باش تا آن را مقدس بداری! این فرمان یادآور آن است که یهودیان باید آن را اطاعت کنند و به این روز عنایت خاصی داشته باشند: «سَبْت‌های مرا نگاه دارید و مکان مقدس مرا احترام نمایید. من یهوه هستم. اگر در فرایض من سلوک نمایید، اوامر مرا اطاعت کنید و آن‌ها را به‌جا آورید، آن‌گاه باران‌های شما را در موسم آن‌ها خواهم داد و زمین، محصول خود را خواهد آورد و درختان صحرا میوه خود را خواهند داد».^۲

درباره اهمیت روز سبت باید گفت در یهودیت، پیش از آن‌که مکان قداست یابد، زمان مقدس می‌شود؛ چراکه معبد به‌عنوان مکان مقدس رسمی قوم یهود، در حدود چهار قرن بعد از موسی (ع) و در زمان سلیمان (ع) بنا می‌شود و خیمه عهد که در زمان موسی و دوره آوارگی و سرگردانی یهود در صحرای سینا گاه برپا می‌شد، هنوز مکان مقدس رسمی ثابت و دایمی به‌شمار نمی‌آمد و فقط به خود حضرت موسی و در مواقع گفتگوی او با خدا اختصاص داشت، حال آن‌که تقدیس روز سبت یکی از فرمان‌های اساسی یهوه است که از همان آغاز اهمیت یافت. وجه دیگر اهمیت سبت آن است که نگاهداشت و پاسداشت این روز در کنار شعیره ختان، مهم‌ترین نماد اطاعت کامل از یهوه تلقی می‌شود.

پنجمین فرمان، احترام به پدر و مادر است. اگر به این فرمان دقت شود، چنین دریافت می‌شود که منظور از احترام به پدر و مادر، علاوه بر احترام، اطاعت از آنان نیز معنا می‌دهد. در سفر پیدایش، اطاعت از پدر را به‌عنوان مصداق این موضوع بیان می‌کند: «و اما عیسو

۱. Rabbi Moses ben Maimon, *Mishneh Torah*, Translated by Eliyahu Touger, Moznaim Publications Rabbi Moses ben Maimon, 1982, p.142.

۲. لاویان، ۲۶: ۲-۴.

چون دید که اسحاق یعقوب را برکت داده، او را به فدان آرام روانه نمود تا از آنجا زنی برای خود بگیرد، و در حین برکت دادن به وی امر کرده، گفته بود که «زنی از دختران کنعان مگیر» و این که یعقوب، پدر و مادر خود را اطاعت نموده، به فدان آرام رفت، و چون عیسو دید که دختران کنعان در نظر پدرش، اسحاق، بدند؛ پس عیسو نزد اسماعیل رفت و محلّت، دختر اسماعیل بن ابراهیم را علاوه بر زنانی که داشت، به زنی گرفت.^۱ براساس این آیه، عدم اطاعت عیسو از دستور پدر در حقیقت به منزله سرپیچی از خداست و از این رو، او به نمادی از عصیان و شرارت و خدعه بدل می‌شود.

ششمین فرمان، نهی از قتل است. در نظام‌های مختلف شریعتی، از دوران باستان تاکنون، قتل نفس شدیدترین و نکوهیده‌ترین گناه تلقی شده است. در نظام فقهی یهود نیز این گناه بسیار نکوهیده و دارای شدیدترین مجازات است.^۲ براساس احکام دین یهود، قتل یک یهودی گناه کبیره و یکی از سه گناه شنیع^۳ است.^۴

در کتاب مقدس حدوداً چهارصد بار واژه «خون» به کار رفته است. از این تعداد حدود نیمی مرتبط با مرگ از روی خشونت است. در حقیقت، خون‌ریزی نخستین گناهی است که در کتاب مقدس دارای ماهیت کیفری است: «هر که خون انسان ریزد، خون وی به دست انسان ریخته شود؛ زیرا خدا انسان را به صورت خود ساخت».^۵ هم‌چنین اگر کسی بتواند جان دیگری را حفظ کند، ولی کوتاهی نماید، مرتکب تجاوز از فرمانی سلبی شده است؛ بدین نحو این فرمان بیان می‌دارد که هرگاه کسی شاهد غرق شدن فردی در دریا یا قتل وی توسط راهزنان و حیوانات وحشی باشد و او را یارای نجات خود و دیگران از مهلکه باشد، ضروری است که بدان اقدام کند؛ نیز موردی را شامل می‌شود که شخص از توطئه بیگانگان بر آزار یا نقشه ایشان بر اسارت هم‌قطارش آگاه شده و او هم‌قطارش را آگاه نمی‌کند و به

۱. پیدایش، ۲۸: ۶-۹.

۲. سلیمانی، حسین، *عدالت کیفری در آیین یهود*، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ش، ص ۲۱۶.

۳. دو گناه شنیع دیگر، بت‌پرستی و زناست.

۴. سلیمانی، ص ۱۴۸.

۵. پیدایش، ۶: ۹.

خطر توجهش نمی‌دهد؛ و یا شامل موردی می‌شود که شخص قادر است خشم بیگانه یا مهاجمی را علیه هم‌کیشش فرونشاند، ولی در اقدام بدان قصور می‌کند.^۱ هفتمین فرمان این است: «زنا مکن!». در دین یهود از زنا به‌عنوان پدیده‌ای زشت و خانمان‌سوز که بنیاد و ریشه خانواده و جامعه را سست می‌کند، سخن به میان آمده است و شخص فاحشه به‌شدت تقبیح و مجازات‌های مختلف و متعددی برای او در نظر گرفته شده است، این قضیه بیانگر اهمیت شریعت موسی در مبارزه و نهی شدید از آن و اطاعت از احکام است. این گناه که در فرمان هفتم احکام عشره وارد شده است، در شرایع الهی مستوجب عواقب سخت بوده و هست.^۲

از دیدگاه تورات، رابطه نامشروع و اعمال خلاف عفت ممنوع است و خداوند بنی اسرائیل (یهوه) همواره زنان و مردان را از زنا نهی می‌کند،^۳ و ازدواج با زناکار را جایز نمی‌داند و فرموده است: «زن زانیه یا بی‌عصمت را نکاح ننمایید».^۴ از آن‌جا که بنای خانواده مستحکم‌ترین بناهاست، اگر ازدواج نامشروع صورت گیرد، اصالت و قوام خانواده و جامعه را به ورطه نابودی می‌کشاند؛ به همین خاطر، در کتاب مقدس زناکردن معادل با سوختن و آتش‌زدن خانواده معرفی شده است.^۵

در کتاب مقدس، به گونه‌های مختلف از زشتی و پلیدی زنا اشاره کرده و خداوند از این عمل به‌عنوان عملی بسیار شنیع سخن گفته است.^۶ زنا یکی از سه گناه بزرگی است که یهودیان اگر در معرض کشته‌شدن نیز واقع شوند، نباید مرتکب آن شوند.^۷ فرمان‌های هشتم، نهم و دهم که ناظر بر نهی از دزدی، شهادت دروغ و طمع‌ورزیدن به همسایه‌اند، به این دلیل مورد تأکید یهوه هستند که ارتکاب به هر یک از آن‌ها موجب

۱. Rabbi Moses ben Maimon, p.143.

۲. هاکس، مستر، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ش، ص ۴۴۹.

۳. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین یهود، ج ۴، تهران، نگارش، ۱۳۸۶ش، ص ۱۳۹.

۴. لاویان، ۲۱: ۷.

۵. جلیلی، محمدرضا، جایگاه زن در خانواده و اجتماع در اسلام و یهودیت، تهران، دستان، ۱۳۸۴ش، ص ۹۸.

۶. حزقیال، ۲۳: ۱۸-۲۱.

v. Rabbi Moses ben Maimon, p.144.

می‌شود هم‌بستگی قومی گسسته شود؛ و از آن‌جا که دین یهودیت بر هویت قومی مبتنی است، تخطی از هر یک از این فرمان‌ها عصیان در برابر خدا تلقی می‌شود. خدایی با این هیبت و شکوه که ترس بندگانش برای او خوشایند است، قوم یهود را چنان با مهابت مواجه کرده است که به خود اجازه نمی‌دهند، نامش را نیز بر زبان جاری کنند و به دلیل همین هراس، هرگاه مجبور می‌شوند به خدایشان اشاره کنند، از کلماتی چون «ادونای» مدد می‌جویند؛ پس بدیهی است که اطاعت چنین خدای پرمهابتی امری جدی است و هرگونه سرپیچی از سلطه او، عواقب وخیمی در پی می‌آورد.^۱ درحقیقت خدای عهد عتیق، حاکم اطاعت‌طلبی است که تنها در چارچوب قانون شدید خود با بندگانش در تعامل است.^۲

در فقراتی از تورات، به این آموزه، یعنی ارتباط قوم با خدا اشاره شده است؛ از جمله: «شما همگی مقدس هستید؛ زیرا من به‌عنوان پروردگار شما مقدسم.»^۳ و «اینک ای بنی اسرائیل، خداوند از شما می‌خواهد که از او بترسید، در مسیر او گام بردارید، به او عشق بورزید و پروردگار خویش را با تمام وجود عبادت کنید.»^۴

در این آیات، دو موضوع صریح و روشن وجود دارد: یکی مقدس و پاک‌شدن انسان به‌دلیل مقدس‌بودن خداوند است؛ و دیگری، ضرورت قدم‌گذاشتن در راه خدا و اطاعت کردن از اوست. حال، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه انسان می‌تواند خویش را پاک و منزّه گرداند و در نتیجه خداگونه شود؟ در کتاب مقدس، به‌گونه‌ای روشن به این پرسش پاسخ داده شده است: در سفر لاویان فهرستی از فرمان‌های مختلف خداوند ارائه شده است. این فرمان‌ها درباره‌ی موضوعات اخلاقی (شامل احترام به والدین، کمک‌کردن به فقرا، رعایت عدل و صداقت، و لطف و عطوفت به محرومان، و مانند آن)، فقهی (مثل آداب روز شنبه، قربانی‌کردن و مانند آن) و کلامی (از قبیل به‌بیهودگی نام پروردگار را بر زبان نیوردن)

۱. Stein Saltz Adin, *The Essential Talmud*, translation from the Hebrew to English by Chaya Galai, Basic Books, Inc., Publishers, New York, 1976, p.192.

۲. Ibid, p.193.

۳. لاویان، ۱۹: ۲.

۴. تثبیه، ۱۰: ۱۲.

است؛^۱ از این رو، انسان می‌تواند با اطاعت از این احکام یا بنابر آن چه در کتاب تثنیه آمده، با هادن در مسیر خداوند، به تقدس و پاکی مورد نظر دست یابد.^۲

البته خداوند این عهد خود را مجدداً در دشت‌های موآب با قوم یهود یادآوری می‌کند؛^۳ بنابراین، پس از آن‌که نسل سرکش یهود در طی چهل سال سرگردانی در بیابان جان سپردند، خداوند عهد خود را با نسل جدیدی از آن قوم تجدید کرد که طبق این عهد، فتح سرزمین کنعان نیاز به اطاعت از فرمان‌های الهی و ایمان به او داشت. طرح اصلی این عهد، همانند عهد در کوه سیناست؛ اگر قوم خدا از تمام کلمات عهد اطاعت کنند، خدا آنان را برکت خواهد داد. در غیر این صورت، به جای برکت، آنان را لعنت و مجازات خواهد کرد؛ پس تنها راه برای کسب برکت الهی و رسیدن به سرزمین اجدادی خود، یعنی کنعان، حفظ و نگاه‌داشتن عهد خداوند از طریق اطاعت است که یک جنبه آن محبت‌کردن و دوست‌داشتن او و جنبه دیگر آن، امتثال اوامر و فرایض، یعنی حفظ شریعت و خشیت از اوست.

شایان توجه است که این تجدید عهد باز هم صورت گرفت؛ و آن پس از فتح سرزمین و کمی قبل از فوت یوشع بود، او تمامی قوم خود را بدین‌منظور فراخواند و همه قوم عهد او را پذیرفتند.^۴

از آن‌جا که تأکید آیین یهود بیشتر بر عمل و کردار است تا مباحث عقلی و ماوراءالطبیعه، مایه شگفتی نیست که این آیین، اصول و تعالیمی را ارائه دهد که بر تحقق عملی آن‌ها پافشاری کند؛ از این رو، تقلیدکردن از خدا یا به تعبیر دقیق‌تر، تأسی جستن به خداوند یهوه در این دین، موضوعی ماوراءالطبیعی نیست، بلکه جزء مسائل عملی و اخلاقی آن به‌شمار می‌آید. بر این اساس، یهودیان مکلف نشده‌اند که از لحاظ عینی فراتر از ماهیت معمول خویش پیش روند و خداگونه شوند، بلکه از آنان خواسته شده است که به عهد خدا که اجمالاً در ده فرمان و مفصلاً در احکام ششصدوسیزده‌گانه تجلی کرده است،

۱. لاویان، ۱۹: ۲.

۲. Fishbane, p.103.

۳. تثنیه، ۲۹: ۱.

۴. یوشع، ۲۴: ۲۴-۲۵.

به‌طور دقیق و موبه‌مو ملتزم باشند؛ بنابراین، تأسی یهودیان به خداوند و دست‌یافتن آنان به سرنوشتی که پروردگار با آفریدن آنان به‌صورت خویش، برایشان مقدر ساخت، در واقع وسیله رسیدن به تکامل عملی و اخلاقی آنان است.^۱

اطاعت از حکما و انبیای قوم به معنای اطاعت از یهوه

در سفر تثنیه که موسی شریعت و احکام الهی را بازگو می‌کند، حکمت با دین عجیب می‌شود و موسی قوم خود را به عبادت و اطاعت از خدا تشویق کرده، آن را حکمت و بصیرت می‌خواند.^۲ یوشع جانشین حضرت موسی که توسط او انتخاب شده بود، برای ورود به سرزمین موعود، به مردم دستور داد او را اطاعت کنند. در کلام موسی، حکمت، نشان رهبری است و به مثابه روحی است که از طریق دست‌های موسی به یوشع وارد می‌شود و همین روح حکمت علت اطاعت قوم بنی‌اسرائیل از یوشع است.^۳ بر این اساس، افرادی که به رهبری و داوری اقوام بنی‌اسرائیل گمارده می‌شدند، افرادی حکیم بودند؛ از این رو، شریعت مستلزم حکمت است و لازمه جانشینی موسی و رهبری قوم، حکیم بودن است که موجب اطاعت قوم می‌شود.

براساس عهد عتیق، علاوه بر حکما و مشایخ، خداوند انبیا را از میان مردم مبعوث کرده و هرآنچه باید، به ایشان گفته است و هرکسی که سخنان ایشان را اطاعت نکند، خداوند او را مجازات می‌کند. هر زمان که مردم سخنان انبیا را اطاعت نکرده‌اند، خداوند بر آنان خشم گرفته است؛ چراکه یهوه اطاعت قوم از انبیا را به منزله اطاعت از خود می‌داند.^۴ تبعید بابلی در حیات دینی و شیوه نگرش یهودیان تغییر اساسی ایجاد کرد؛ آنان با یادآوری سرگذشت رقت‌بار و اسف‌انگیز خود و تأمل پیرامون آن، این حادثه را به‌عنوان کیفر و مجازات سخت الهی در قبال سرپیچی از دستورات او دانسته و دریافتند که سرنوشت و آینده تاریخی آنان به اطاعت ایشان از خداوند و تسلیم‌بودن در برابر تعالیم

۱. Atlan, p.125.

۲. تثنیه، ۴: ۵-۶.

۳. همان، ۳۴: ۹-۱۰.

۴. آشتیانی، ص ۳۲۷.

تورات و انبیای الهی است. در این هنگام این نظریه مطرح شد که شرک و بت پرستی در گذشته، مردم را محکوم به تبعید کرده است، اما وعده مسلم آزادی و محبت خداوند به بنی اسرائیل به واسطه انبیا و حکما (در برهه‌هایی که قوم از ایشان اطاعت کرده‌اند)، قوم را در این مدت ثابت قدم نگاه داشته است.^۱

البته ذکر این نکته ضروری است که آمدن حکما و مشایخ پیش از انبیا از آن روست که به لحاظ تاریخ دین یهود، عصر حکما و مشایخ یا همان داوران، بر دوره انبیا تقدم دارد و نیز باید گفت اصطلاح انبیا در یهودیت، شامل موسی، داود و سلیمان(ع) نمی‌شود و پایه این سه، بسی بلندتر از آن است که در کنار سایر انبیا دیگر قوم قرار گیرند.

اطاعت از والدین در راستای اطاعت از یهوه

در یهودیت نیز مانند سایر ادیان، درباره جایگاه و منزلت پدر و مادر و اطاعت از آنان توصیه شده است. جایگاه والدین در این دین تاحه زیادی شبیه مقام ایشان در اسلام است. این جایگاه تا به درجه‌ای رفیع است که اطاعت فرزند از والدین امری واجب است و یکی از احکام اساسی یهودیت، یعنی ده فرمان است؛ بنابراین، اطاعت از والدین در راستای اطاعت از خداوند تلقی شده است. علاوه بر این که اطاعت از والدین دستور خداوند است و به تعبیر دیگر حکم شرعی به حساب می‌آید، جنبه‌ای اخلاقی نیز دارد و برای فرزند مطیع فضیلت در پی می‌آورد. هم‌چنین بر مبنای عهد عتیق، از نتایج این اطاعت می‌توان به برکت یافتن فرزند و درازی عمر وی اشاره کرد.^۲

در فقرات مختلفی از عهد عتیق درباره اطاعت از والدین مطالبی بیان شده است که برخی از آنها از این قرار است: «پدر و مادر خود را احترام نما، تا روزهای تو در زمینی که یهوه، خدایت به تو می‌بخشد، دراز شود».^۳ «هریکی از شما مادر و پدر خود را احترام نماید و سب‌های مرا نگاه دارد، من یهوه خدای شما هستم».^۴ قرار گرفتن احترام به والدین در

۱. Seitzer, Robert. M, "Jewish People", *Encyclopedia of Religion*, Edited by Mircea Eliade, Macmillan Library Reference Use New York, 1995, p.33.

۲. Fishbane, p.146.

۳. خروج، ۲۰:۱۲؛ تثبیه، ۵:۱۶.

۴. لاویان، ۱۹:۳.

کنار اهتمام به نگاهداشت روز سبت در آیه فوق شایان توجه است؛ چراکه رعایت روز سبت یکی از شاخصه‌های مهم التزام به یهودیت و نیز یکی از احکام ده فرمان است. احترام پدر و مادر هر دو لازم است، اما در صورت تعارض بین احترام پدر و احترام مادر، احترام پدر مقلّم است؛ چون زن وظیفه دارد از شوهر اطاعت کند.^۱ زن در عهد عتیق، تحت تسلط و حاکمیت مرد است. در سفر پیدایش ضمن برشمردن مجازات گناه حوا، خداوند به زن چنین خطاب می‌کند: «آلم و حمل تو را بسیار افزون گردانم؛ با الم فرزندان خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد».^۲

رسم ختان، نخستین و مهم‌ترین نماد اطاعت از خدا

«ختنه» به کنایه به معنای رضایت برای اطاعت قلبی از خدا به‌کار می‌رود؛ لذا مختون‌شدن در یهودیت بسیار مهم است. درحقیقت باید گفت رسم ختان، یکی از ویژگی‌های بارز ادیان ابراهیمی، مانند یهودیت و اسلام است، اما این رسم در یهودیت مفهومی نمادین دارد و بر این اساس، مختون‌شدن نشان اطاعت قلبی و اختیاری افراد قوم از خداوند است و امتناع از اجرای این تکلیف، نه‌تنها عصیان، بلکه خروج از دیانت یهودی به‌شمار می‌آید. می‌توان گفت یهودی‌بودن از دو عنصر تشکیل می‌شود که نبودن هریک به منزله خارج‌بودن فرد از قوم و دیانت یهود است؛ یکی از این دو، مقدر و دیگری ارادی است؛ عنصر مقدر همانا یهودی‌زاده بودن فرد است که البته در صورتی پذیرفتنی است که هر دو والدین او یهودی باشند، و عنصر ارادی همین مختون‌شدن است که این ارادی‌بودن آن ملاک اطاعت از یهوه تلقی می‌شود.

هنگامی که خداوند در تورات با ابراهیم در سفر پیدایش باب ۱۷ عهد می‌بندد، به او می‌گوید که او و تمامی مردان در خانه او باید ختنه شوند. این ختنه‌شدن نشان‌دهنده عهد خداوند با ابراهیم و پیمان بین او و خداست. اهمیت ختنه در تورات به حدی است که خداوند به ابراهیم دستور می‌دهد افراد ختنه‌نشده را از بین خود طرد کند. غیریهودیان باید

۱. کهن، ابراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیرفریدون گرگانی، به اهتمام امیرحسین صدری‌پور، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲ش، ص ۹۸.

۲. پیدایش، ۳: ۱۶.

قبل از این که در عید پسح شرکت کنند، ختنه شوند. ختنه‌نشندگان در تورات به‌عنوان افرادی که از نظر شرعی پاکیزه نیستند، شناخته می‌شوند. به ختنه‌شدن در چند جای دیگر کتاب مقدس نیز اشاره شده است. چنین کاربرد نمادینی از بخش محوری عهد عتیق، یعنی تورات آغاز شده است: «پس غلفه دل‌های خود را مختون سازید، و دیگر گردن‌کشی ننمایید».^۱

رابطه میان اطاعت و برگزیدگی قوم یهود

برگزیدگی بنی اسرائیل، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های این قوم در عهد عتیق مطرح است. ابتدا، مفهوم برگزیدگی تبیین می‌شود تا ارتباط آن با اطاعت روشن شود. خداوند پیمانی با قوم اسرائیل بسته و به آنان گفته است: «اگر از من اطاعت کنند و هرچه بگویم انجام دهند، ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان».^۲ اما این امر، قانون عام خداوند است، هر که از خدا اطاعت کند، لطف و برکت او شاملش می‌شود.^۳

کرن آمسترانگ بر این باور است که قوم بنی اسرائیل گمان می‌کردند قوم برگزیده خداوندند. درحقیقت، ایشان معنای عهد خود را با خدا به نیکویی دریافت نکرده بودند؛ چراکه معنای آن مسئولیت و اطاعت بود و نه امتیاز. این عهد نه به‌معنای آن بود که همه قوم اسرائیل برگزیده خدا هستند و بنابراین، باید با شایستگی با ایشان رفتار شود.^۴

بر این اساس، پیام کتاب مقدس، جهانی است و به قوم بنی اسرائیل اختصاص ندارد. برگزیدگی قوم به معنای برتری یا تقدیس ذاتی نیست. فقراتی از کتاب مقدس که به این موضوع پرداخته‌اند، تنها بربیک‌گزینش مشروط دلالت دارند، نه بیش از آن. قوم بنی اسرائیل برای تکلیف و وظیفه‌ای خاص برگزیده شده است. این هرگز بدان معنا نیست که این قوم دارای حقوقی خاص یا ویژگی‌هایی خاص است. این برگزیدگی با اطاعت از دستورهای خداوند و رعایت شریعت تحقق می‌یابد، درحالی‌که سرپیچی از دستورهای خداوند خفت

۱. تثیبه، ۱۰: ۱۶.

۲. ارمیا، ۱۱: ۴.

۳. اشعیا، ۱: ۳-۵.

۴. آمسترانگ، کرن، *خداشناسی از ابراهیم تا کنون دین یهود، مسیحیت و اسلام*، ترجمه محسن سپهر، تهران، مرکز، ۱۳۸۲ش، ص ۴۵.

و ذلت را در پی دارد. به گفته‌ی کتاب مقدس توجه خاص خداوند به این قوم به ماجرای حضرت ابراهیم و اطاعت بی‌چون و چرای او در ماجرای ذبح فرزند برمی‌گردد. در حقیقت، پس از این اطاعت محض، خداوند به‌عنوان پاداش، به او وعده می‌دهد که به فرزندان وی موقعیت و جایگاهی ویژه دهد؛^۱ لذا، به سبب اطاعت ابراهیم از خداوند نسل او کثیر می‌شود.^۲

موسی نیز براساس این وعده خداوند دو مسیر آینده‌ی یهود را ترسیم می‌کند؛ راه خیر و برکت، یا راه شرّ و عقوبت. او نخست برکت‌های خداوند را به آن‌ها ابلاغ می‌کند که اگر از تورات اطاعت کنید و در راه خدا سلوک نمایید، آنگاه محصول زمین و بهایم تو برکت یافته، کثیر شوند و دشمنانت شکست می‌خورند و تو همیشه سلامت خواهی بود.^۳ در این مورد در تورات آمده است: «اگر آواز یهوه خدای خود را بشنوی؛ در شهر و صحرا، مبارک خواهی بود. میوه‌ی بطن تو و میوه‌ی زمین تو و میوه‌ی بهایمت و بچه‌های گاو و بره‌های گله‌ی تو مبارک خواهند بود. سبب و ظرف خمیر تو مبارک خواهد بود. وقت درآمدنت مبارک و وقت بیرون رفتنت مبارک خواهی بود... خداوند در انبارهای تو و به هرچه دست خود را به آن دراز می‌کنی، بر تو برکت خواهد فرمود و تو را در زمینی که یهوه خدایت به تو می‌دهد، مبارک خواهد ساخت...»^۴

لذا، این برگزیدگی و به‌تبع آن مبارک‌بودن قوم، مشروط است. آنان تا زمانی قوم خاص خدا هستند که مطیع او باشند و عهد خداوند را که عمل به شریعت اوست، رعایت کنند. از این فقره به‌خوبی برمی‌آید که خداوند می‌خواهد جایگاهی ویژه یا مأموریتی خاص را به این قوم بدهد که شرط آن اطاعت از اوست؛ پس این برگزیدگی مشروط است، نه مطلق.^۵

۱. همان، ص ۴۶.

۲. پیدایش، ۱۷: ۱-۲.

۳. کلاپرن، ژیلبرت و لیبی، تاریخ قوم یهود، ترجمه‌ی مسعود همتی، تهران، انجمن فرهنگی اوتصهرنورا، گنج دانش ایران، ۱۳۴۷ش، ص ۱۸۷.

۴. تنبیه، ۲۸: ۱-۲.

5. Sherbok, Dan Cohn, "BDJ", *The Blackwell Dictionary of Judaica*, Blackwell, 1992, p.88.

نتیجه

چنان‌که از رهگذر این نوشتار معلوم شد، اطاعت، بن‌مایه و جوهره عهد عتیق و هویت‌بخش قوم یهود است. این مفهوم از چنان اهمیتی در عهد عتیق برخوردار است که می‌توان این کتاب را گزارش رابطه قوم با خداوند یهوه بر مبنای اطاعت یا عدم اطاعت از او دانست. براساس آن چه گفته آمد، اطاعت در عهد عتیق مفهومی بس رفیع و نیز درازدامن است و این رفعت و جایگاه چندان است که می‌توان گفت عهد عتیق درحقیقت سندی است که رابطه قوم یهود با خدا را بر مبنای اطاعت و عدم اطاعت قوم از خداوند گزارش می‌کند؛ لذا اغراق نیست اگر گفته شود که سنگ بنا و بن‌مایه عهد عتیق همانا مفهوم اطاعت است.

درحقیقت، اطاعت هم مفهومی جمعی دارد و هم معنایی فردی؛ در مفهوم جمعی، اطاعت را می‌توان عبارت از رابطه قوم یهود با خدا بر مبنای التزام به عهد و ایمان به وعده سرزمین موعود دانست و در مفهوم فردی، اطاعت را می‌توان التزام هر یهودی معتقد به ده فرمان و احکام ششصدوسیزده‌گانه ناشی از آن‌ها دانست. البته مفهوم اطاعت براساس آن‌چه از عهد عتیق دریافت می‌شود، چه در چارچوب قومی و چه در ساحت فردی، به شدیدترین درجه‌ای بر بنی اسرائیل تکلیف شده است که کوچک‌ترین تخطی از آن، عواقب سختی در پی می‌آورد.

به‌لحاظ الهیاتی در تبیین معیار سنجش اطاعت یا عدم اطاعت قوم از خدا می‌توان گفت استقلال قومی و استقرار در سرزمین موعود نتیجه التزام به اطاعت از خدا و به تعبیر دیگر، نشانه این اطاعت است و بر این اساس، انقیاد قومی و دوری از سرزمین موعود، نشان ناخشنودی یهوه از قوم و نتیجه عصیان قوم است. بنابراین دیدگاه که در موارد بسیاری از عهد عتیق، به‌ویژه در بخش تورات (اسفار پنجگانه) و نوآیم (انبیا) بازتاب یافته است، می‌توان نتیجه گرفت که در تاریخ یهود، این قوم عمدتاً با عدم اطاعت خداوند، مورد مجازات او واقع شده‌اند. و در دهه‌های اخیر به‌رغم این‌که در ظاهر در سرزمین موعود حکومت تشکیل داده‌اند، هرگز به استقرار دست نیافته و از مشروعیت، حتی در میان بسیاری از یهود برخوردار نشده‌اند.

منابع

- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۸ش.
- آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین یهود، ج ۴، تهران، نگارش، ۱۳۸۶ش.
- آرمسترانگ، کرن، *خداشناسی از ابراهیم تا کنون؛ دین یهود، مسیحیت و اسلام*، ترجمه محسن سپهر، تهران، مرکز، ۱۳۸۲ش.
- جلیلی، محمدرضا، *جایگاه زن در خانواده و اجتماع در اسلام و یهودیت*، تهران، داستان، ۱۳۸۴ش.
- سلیمانی، حسین، *عدالت کیفری در آیین یهود*، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ش.
- کلاپرمن، ژیلبرت و لیبی، *تاریخ قوم یهود*، ترجمه مسعود همتی، تهران، انجمن فرهنگی اوتصرهتوا، گنج دانش ایران، ۱۳۴۷ش.
- کهن، ابراهام، *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه امیرفریدون گرگانی، به اهتمام امیرحسین صدری‌پور، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲ش.
- هاکس، مستر، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ش.
- Atlan Henri, "Chosen People", *Contemporary Jewish Religious Thought*, New York, The Free Press, 1987.
- Avery-Peck Alan J., *The Doctrine of God, The Blackwell Companion to Judaism*, Edited by Jacob Neusner and Alan J. Avery-Peck, Blackwell Publishing Ltd, USA, 2003.
- Brahmachari R. "Jewish Ethics", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, New Delhi, Anmol publications PV.LTD., 2008.
- Eron, Lewis John, "Homosexuality and Judaism", *Homosexuality and World Religions*, Arlene Swidler (ed), Trinity Press International, U.S.A., 1993.
- Fishbane, Michael, "the Image of the Human and the Rights of the Individual in Jewish Tradition", *Human Rights and the World's Religions*, edited by Loroy S. Rouner, Universtiy of Notre Dame Press, 1988.
- Lipinski, Edward, *Encyclopaedia Judaica*, Skonlnik Fred (editor in chief), Michael Berenbaum, second edition, Macmillan Reference USA, 2007.
- Rabbi Moses ben Maimon, *Mishneh Torah*, Translated by Eliyahu Touger, Moznaim Publications, 1982.
- Seitzer, Robert. M, "Jewish People", *Encyclopedia of Religion*, Edited by Mircea Eliade, Macmillan Library Reference use New York, 1995.
- Sherbok, Dan Cohn, "BDJ", *The Blackwell Dictionary of Judaica*, Blackwell, 1992.
- Idem, *Judaism: History, Belief and Practice*, London, Routledge, 2003.
- Stein Saltz Adin, *The Essential Talmud*, translation from the Hebrew to English by Chaya Galai, Basic Books, Inc., Publisheres, New York, 1976.
- Zahavy Tvzee, *Jewish Piety, The Blackwell Companion to Judaism*, Edited by Jacob Neusner and Alan J. Avery-Peck, Blackwell Publishing Ltd, USA, 2003.